

خوانشی نو از تاریخ گذاری سوره شعراء با تأکید بر قصه های پیامبران (ع)

فاطمه صانعی^۱

داوود اسماعیلی^۲

امیر احمد نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰، صفحه ۲۹ تا ۴۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

سوره شعراء بر اساس اجماع مفسران و قرآن پژوهان در مکه نازل شده است. در این سوره بخش عمده ای از آیات به داستان ها و سرگذشت پیامبران (ع) اختصاص داده شده که باعث می شود تعیین زمان دقیق نزول آن مشکل باشد. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل محتوای قصه ها و مطابقت با منابع تاریخی و با استناد به پیوستگی نزول سوره شعراء به کشف زمان نزول این سوره به صورت مستند اهتمام ورزیده است. پژوهش حاضر نشان می دهد که مضامین مشترک و برجسته در قصه ها همانند تهدید به اخراج از سرزمین، تهدید به قتل، نافرمانی از اوامر الهی و ناسپاسی نسبت به نعمت ها، تأکید بر مفهوم هجرت و تأکید بر نسبت خویشاوندی میان پیامبران و قوم شان، همسویی معناداری با شرایط سخت و فشارهای دوران محاصره در شعب ابی طالب دارد. تطابق این تحلیل ها با شواهد تاریخی و همچنین با جایگاه سوره شعراء در فهرست های ترتیب نزول دستاوردهای پژوهش را تقویت می کند. گفتنی است که لحن صریح در آیات سوره و خصوصاً در قصه ها خبر هفتم بعثت و در ایام حج بر پیامبر اسلام (ص) نزول یافته است.

کلیدواژه ها: سوره شعراء، قصه های قرآنی، حضرت موسی (ع)، تاریخ گذاری، شعب ابی طالب.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران:

ftm.san76@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول):

d.esmaely@theo.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

درآمد

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم همواره از موضوعات چالش‌برانگیز و حائز اهمیت در مطالعات قرآنی بوده است. وجه اهمیت تاریخ‌گذاری در درک بهتر سیر نزول آیات تجلی می‌یابد و علاوه بر آن در فهم مقاصد و اهداف هر سوره نیز نقش بسزایی ایفا می‌نماید. چرا که آیات قرآن کریم آینه تمام‌نمای شرایط عصر نزول بوده و نزول تدریجی آیات نیز شاهد مهم این امر محسوب می‌گردد. سوره شعراء، به عنوان یکی از سوره‌های مکی و دارای مضامین عمیق مرتبط با قصه‌های پیامبران، از جمله سوره‌هایی است که بررسی زمان نزول آن می‌تواند افق‌های جدیدی در تفسیر و تحلیل محتوای سور بگشاید. به عبارت دیگر کشف زمان نزول سوره‌های قصه محور همچون سوره شعراء زمینه را برای تاریخ‌گذاری بر اساس محتوای سور خصوصاً قصه‌ها برای پژوهشگران فراهم می‌آورد. چرا که قصه‌ها نیز مطابق با نیاز مخاطبان عصر نزول گزینش شده و بر پیامبر اسلام(ص) نزول یافته‌اند و طبعاً بررسی رابطه قصه با شرایط نزول و دغدغه‌های مخاطبان توصیف جامعی از زمان نزول سوره ارائه می‌دهد. به علاوه تا حد قابل توجهی نیاز پژوهشگران را به اتکاء صرف بر روایات ترتیب نزول کاهش می‌دهد. با این حال، علیرغم اهمیت این موضوع، نقش محتوا خصوصاً قصه‌های قرآنی در تاریخ‌گذاری آیات و سور مورد توجه مفسران و پژوهشگران نبوده است. تاریخ‌گذاری بر اساس قصه-های قرآنی نه تنها به غنای مطالعات تفسیری در حوزه زمان نزول سوره‌ها می‌افزاید، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی برای بررسی زمان نزول سایر سوره‌های قرآن بر اساس محتوا و قصه‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرد.

طرح مسأله

بخشی از معارف و مفاهیم الهی در قرآن، در قالب قصه‌هایی از سرگذشت پیامبران پیشین بیان شده است. می‌توان گفت مهم‌ترین هدف نقل قصه‌ها در قرآن، گره‌گشایی از بحران‌هایی است که پیامبر اسلام(ص) در مسیر رسالت خود با آن‌ها مواجه بوده است. شاهد این امر محتوای سوره‌های قصه محور در قرآن کریم است که خداوند همواره با نقل قصه، پیامبر(ص) و مسلمانان را دعوت به صبر و اعتماد به خداوند قادر نموده و به آنان وعده پیروزی و توفیق در برابر مخالفان می‌دهد. این قصه‌ها که غالباً در سور مکی نقل شده‌اند، مخاطبان عصر نزول را گام به گام با شخصیت‌ها و رخدادهای قصه همراه کرده تا بتوانند خود را در برابر فرازهای مختلف قصه حاضر ببینند و از این طریق، شرایط موجود را به بهترین نحو مدیریت کنند. بر همین اساس طبعاً سوره‌ها در پیوندی دائمی و ناگسستنی با حوادث و رویدادهای زمان نزول، بر پیامبر(ص) فرود آمده‌اند. لذا فهم مقصود قصه‌ها برای مخاطبان دوره‌های بعد بدون تسلط بر زمان دقیق نزول با مشکل مواجه می‌شود. سوره‌ی شعراء

یکی از سوره‌هایی است که رمزگشایی از زمان نزول آن به وسیله‌ی محتوای سوره دارای اهمیت است و مهم‌ترین علت آن، تفاوت دیدگاه‌ها پیرامون تاریخ‌گذاری این سوره است. برخی با تکیه بر روایات تاریخی نزول سوره را مربوط به علنی شدن دعوت پیامبر(ص) یعنی حدوداً سال سوم بعثت دانسته‌اند که این دیدگاه توسط محققان رد شده است. برخی نیز همانند مدونان فهرست‌های ترتیب نزول، زمان نزول سوره شعراء را در حوالی سال هفتم بعثت تخمین زده‌اند. تفاوت دیدگاه‌ها پیرامون زمان نزول سوره شعراء ناشی از گوناگونی منابع و ابزارهای تاریخ‌گذاری است. به عبارت دیگر تکیه بر نقل روایت بدون استناد به محتوای آیات و عدم مطابقت با آن آسیب‌هایی همچون اختلاف در تخمین زمان نزول سوره‌ها به دنبال دارد. از این رو استناد به آیات و محتوای آن از جمله قصه‌های قرآنی می‌تواند به کشف زمان صحیح نزول سوره کمک کند. بر همین اساس در این نوشتار ابتدا محتوای آیات و مختصات کلی سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با بررسی رویدادهای تاریخی و جزئیات مربوط به آن زمینه برای مطالعه دقیق قصه‌ها فراهم آمده تا در نهایت به یک دیدگاه صحیح پیرامون تاریخ‌گذاری سوره شعراء و فضای نزول این سوره دست یابیم.

بررسی روش‌های تاریخ‌گذاری

قرآن کریم به عقیده مسلمانان در مرتبه بالایی از فصاحت قرار دارد. بر همین اساس انتظار می‌رود نزول آیات، حتی آیات قصص قرآن، طبق اقتضای زمان و رخدادهای عصر نزول بر پیامبر اسلام(ص) نازل شده باشند. به عبارتی فهم مقصود آیات ارتباط تنگاتنگی با تشخیص زمان نزول دارد که در پژوهش‌های حوزه علوم قرآنی، با عنوان تاریخ‌گذاری آیات و سور شناخته می‌شود. ثمره مهم تاریخ‌گذاری آیات و سور، تخمین زمان و واحدهای نزول است که اهمیت اصلی آن در فهم دقیق‌تر آیات قرآن بروز و ظهور می‌یابد(نکونام، ۱۳۸۰ش، ۲۱).

به طور کلی، تاریخ‌گذاری آیات به روش‌های نقلی و اجتهادی انجام می‌شود. در روش نقلی، محققان متکی به روایات خصوصاً روایات ترتیب نزول بوده و بر اساس فهرست‌ها مکی یا مدنی بودن سوره را مشخص می‌کنند. اما در روش اجتهادی با استناد به قرائن متنی و تطبیق آیات با شواهد تاریخی زمان نزول آیات و سور به صورت تقریبی مشخص می‌شود. در روش اجتهادی عده‌ای بر این باورند که متن قرآن به منزله‌ی یک منبع تاریخی است. بر همین اساس محقق تلاش می‌کند میان آیات و فضای حاکم بر عصر نزول ارتباط برقرار کرده و نسبت آیات سوره‌های مختلف را نیز مورد بررسی قرار دهد(عابدالجابری، ۱۴۰۰ش، ۱ / ۱۳۴؛ بازرگان، ۱۳۸۶ش، ۱ / ۷۶). باید توجه داشت که فهرست‌های ترتیب نزول روایی به تنهایی برای تاریخ‌گذاری آیات و سور قابل اتکاء نیستند و لازم است در کنار آن از قرائن دیگر نیز بهره برد. از مهم‌ترین دلایل این امر می‌توان به تنوع متن فهرست‌ها

اشاره کرد. این در حالیتیست که سند هیچ‌کدام از فهرست‌ها بر دیگری ارجحیت ندارد(جان نثاری، ۱۴۰۳ش). در منابع تاریخی نیز اطلاعات مربوط به حوادث دوران مکه شفافیت و دقت کمتری نسبت به دوران مدینه دارد و همین امر در کنار کثرت آیات مکی نسبت به آیات مدنی سبب شده تطبیق میان آیات مکی و وقایع تاریخی دشوار باشد. بنابراین دقت نظر در محتوای سوره‌ها و یافتن قرائن تاریخی از متن آیات، اغلب تنها ابزار قابل اعتمادی است که می‌توان برای تاریخ‌گذاری سوره‌های مکی به کار گرفت. یک محتوای مهم در سوره‌ها خصوصاً سوره مکی قصه‌های قرآنی است. بررسی جزئیات این قصه‌ها و قیاس میان فرازهای مختلف آن به مخاطب این امکان را می‌دهد که به فهم بهتری از کتاب آسمانی دست یابد. این بدان جهت است که قصه‌های قرآن به لحاظ موضوع، شیوه نمایش و تبیین حوادث، با اهداف الهی از نزول آیات در طول رسالت پیامبر(ص) همراهی می‌کند و نتیجه این همراهی در ساختار و بافت قصه‌ها بروز پیدا می‌کند. به سبب همین پیوند میان زمان نزول و گزینش فرازهای قصه، در پژوهش حاضر با تأکید بر محتوای قصه‌ها به کشف زمان نزول سوره پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

معمولاً در آثار تفسیری ذیل سوره‌های قصه محور نظیر سوره‌ی شعراء، تحلیل تاریخ‌گذارانه‌ای ارائه نشده و تنها ابزار تاریخ‌گذاری این سوره، تکیه بر فهرست‌های ترتیب نزول است. برخی مفسران همانند محمد عابدالجابری با تکیه بر گزارش تاریخ از آغاز دعوت علنی پیامبر(ص) به زمان تقریبی نزول سوره‌ی شعراء اشاره کرده‌اند. اما اعتبار مدعای خود را با محتوای سوره و قصه‌های مطرح شده در این سوره مطابقت نداده‌اند(عابدالجابری، ۱۴۰۰ش، ۱ / ۷۳۶). برخی دیگر همانند ابن عاشور و سیدقطب تنها به ارتباط و انسجام میان قصه‌ها و سایر آیات در سوره اشاره داشته و معتقدند قصه‌ها به منظور تسلی خاطر پیامبر(ص) نزول یافته‌اند؛ اما به زمان نزول سوره اشاره نداشته‌اند(ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷ / ۷۸؛ سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۳ / ۱۸۹۹). به همین سبب است که نزول سوره‌ی شعراء در نظر مفسران، از سال سوم تا هفتم بعثت متغیر است. در برخی آثار پژوهشی نیز ذیل بررسی چگونگی دعوت پیامبر(ص) و شیوه مواجهه ایشان با خویشاوندان و غیر آن، به صورت محدود به جزئیات مربوط به زمان نزول این سوره اشاره شده است. در پژوهشی با عنوان «بررسی دوره دعوت پنهانی پیامبر(ص) با تکیه بر مفهوم شناسی آیه «فاصدع بما تؤمر» مؤلفان با تکیه بر محتوای سوره‌ها خصوصاً سوره ابتدایی نزول وحی، تقسیم بندی دعوت پیامبر(ص) را به پنهانی و علنی نامعتبر شمرده‌اند. بر همین اساس ارتباط آیه ۲۱۴ سوره شعراء با آغاز دعوت علنی و دعوت خویشاوندان را نیز مورد نقد قرار داده‌اند(محمدزاده و احمدنژاد، ۱۳۹۴ش). اما نکته قابل توجه این که تأکید پژوهش بر سوره

حجر بوده و به طور خاص سوره شعراء و آیات قصه در این سوره مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش دیگری با عنوان « بررسی دعوت پیامبر اکرم(ص) بر اساس آیه ۲۱۴ شعراء و ۹۴ حجر» مؤلفان نزول آیه ۲۱۴ سوره شعراء را پس از سال ششم دانسته و احتمال تقارن نزول این آیه با محاصره اقتصادی در شعب ابیطالب را مطرح کرده اند (محمدی انویق و خوش منش، ۱۳۹۵ش). اما به پیوند آیه مذکور با سایر آیات سوره خصوصاً قصه های پیامبران در این سوره اشاره ای نداشته اند. بدیهی است که برخلاف سیاق آیات، احتمال نزول گسسته آیه مذکور در این بررسی مطرح می شود. مضاف بر این، پژوهش های مستقلی پیرامون محاصره مسلمانان در شعب ابیطالب و جزئیات تاریخی آن صورت گرفته که فضای تاریخی را به خوبی منعکس می کنند؛ اما به ارتباط آن با سور قرآنی اشاره نداشته اند. از جمله می توان به مقاله «شعب ابیطالب، نماد مقاومت هوشمندانه راهبردهای نبوی برای عبور از موقعیت های فراسخت» و یا «بررسی ادبی و محتوایی سروده ابوطالب در شعب» اشاره کرد که به زوایای پیدا و پنهان این رخداد تاریخی پرداخته اند. می توان گفت از این منظر پژوهش حاضر تنها اثری است که با تأکید بر یکپارچگی آیات سوره با بررسی قصه پیامبران به کشف زمان نزول سوره اهتمام ورزیده و درصدد مطرح کردن دیدگاه متقن پیرامون تاریخ گذاری سوره بر اساس قصه است.

مختصات سوره شعراء

سوره شعراء طبق اجماع مفسران در مکه نازل شده و شامل ۲۲۷ آیه است. برخی روایات از وجود آیات مدنی در این سوره حکایت می کنند. از جمله آیه «أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء / ۱۹۷) که به عقیده مقاتل به علت اشاره به بنی اسرائیل در مدینه نازل شده است. در حالی که در سایر سور مکی همانند قصص، رعد، عنکبوت و اسراء نیز مشابه همین آیه نازل شده و این سوره ها جملگی مکی هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۹ / ۱۰۷). به زعم مفسرانی همچون سید قطب، ابن عاشور و علامه طباطبائی تمام آیات سوره شعراء در مکه نازل شده که مهم ترین شاهد این مطلب، سیاق پیوسته آیات است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۵ / ۱۰۳؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۶۷۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷ / ۱۳۴). محتوای سوره نیز به روشنی پیوستگی و انسجام آیات را در این سوره نشان می دهد که در بخش های بعدی بدان اشاره خواهد شد.

طبق روایات ترتیب نزول سور، سوره شعراء چهارم و هفتمین سوره نازل شده بر پیامبر(ص) بوده و این سوره، پس از سور مریم و طه و واقعه و پیش از سوره نمل و قصص قرار گرفته است (شهرستانی، ۱۳۶۸ش، ۱ / ۱۸). در فهرست های اجتهادی نیز محدوده جایگذاری این سوره تقریباً در اواسط دوران مکی بوده (جان نثاری، ۱۴۰۳). این فهرست ها نزول شعراء را پیش از انسان و

پس از حجر میدانند. احتمالاً این دیدگاه متأثر از دیدگاه معروف مبنی بر نزول شعراء مصادف با دعوت خویشان و نزول حجر مصادف با علنی شدن دعوت پیامبر(ص) بوده است. اما باید توجه کرد که طبق آیات قرآن تقسیم بندی دعوت پیامبر به دوران پنهانی و علنی تقسیم بندی صحیحی نیست. چرا که به شهادت آیات خصوصاً سوره‌های ابتدایی همانند مدثر، دعوت پیامبر(ص) از همان ابتدا آشکار بوده و این ادعا با محتوای آیات در تعارض است(محمدزاده و احمدنژاد، ۱۳۹۴ش). به علاوه مفهوم «انذار» نمی‌تواند به خودی خود زمان نزول سوره را مشخص کند و نمی‌توان گفت صرف اینکه مفهوم انذار در این آیه بیان شده نشان‌گر علنی شدن دعوت پیامبر(ص) است. پژوهش‌های مستشرقان در این حوزه نیز خبر از ارتباط تنگاتنگ سوره طه و شعراء داده و نزول این دو سوره را در پی هم و در سال‌های میانی دوران مکی می‌دانند(مونتگمری وات و بل، ۱۳۸۲ش، ۱۷۰)

آنچه در فهرست‌های ترتیب نزول مسلم است ارتباط انکار ناشدنی سوره شعراء و سوره‌های طه و نمل است. به همین علت بررسی ارتباط محتوایی و زمانی این سوره‌ها با یکدیگر می‌تواند در کشف زمان نزول سوره شعراء اثرگذار باشد. سوره طه در آستانه هجرت و یا در جریان هجرت مسلمانان به حبشه نازل شده است. آیات سوره طه خصوصاً قصه حضرت موسی(ع) در این سوره به خوبی فضای عصر نزول را در آستانه هجرت به حبشه به تصویر می‌کشد. خداوند از این طریق درصدد تسکین قلب پیامبر(ص) در برابر دشواری‌ها و ترغیب گروهی از مسلمانان به هجرت از مکه برآمده است(صانعی و همکاران، ۱۴۰۳ش). سوره شعراء در کوتاهی و آهنگین بودن آیات با سوره طه شباهت دارد. از سوی دیگر پرداختن به فرازهای مشابهی از قصه حضرت موسی(ع) در این دو سوره احتمال قرابت نزول آن‌ها را در یک بازه زمانی مشخص افزایش می‌دهد. سوره نمل نیز با توجه به روند قصه‌ها خصوصاً قصه حضرت موسی(ع)، جنبه تسکین و تثبیت قلب برای پیامبر(ص) داشته که با مشکلات و سختی‌های ایشان در محاصره شعب ابیطالب همخوانی دارد. این سوره حدود سال‌های ششم یا هفتم بعثت و همزمان با محاصره‌ی عده‌ای از مسلمانان در شعب ابیطالب و هجرت عده‌ای دیگر به حبشه نازل شد(بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۲۳۶؛ یوسفی غروی، بی‌تا، ۱ / ۵۳۹؛ احمدی بیغش و تبریزی، ۱۴۰۲ش).

بنابراین بررسی فهرست‌های ترتیب نزول و بررسی محتوای سوره‌هایی همچون طه و نمل نشان می‌دهد که نزول سوره شعراء در فاصله زمانی میان هجرت مسلمانان به حبشه و محاصره مسلمانان در شعب ابیطالب واقع شده است. اما در منابع تفسیری و تاریخی به طور مستقیم به زمان نزول سوره شعراء و ارتباط آن با شعب ابیطالب اشاره نشده است. به همین سبب بررسی محتوای سوره و همچنین

جزئیات تاریخی مربوط به محاصره در شعب ابیطالب می‌تواند در رد یا پذیرش این دیدگاه اثر شایانی داشته باشد.

مروری بر سوره شعراء

سوره‌ی شعراء با آیاتی خطاب به پیامبر(ص) آغاز می‌شود که در این آیات به شدت اندوه ایشان در هدایت ناپذیری مردم اشاره شده‌است. با توجه به این آیات می‌توان گفت رفتار خصمانه قریش و پافشاری آن‌ها بر مواضع کارشکنانه خود، سبب شد خداوند این سوره را برای تسکین پیامبر از اندوه نسبت به ایمان نیاوردن آن‌ها نازل کند(سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۵۵۶). کالبد اصلی سوره را قصص تشکیل می‌دهد و از این طریق پیام‌های الهی به پیامبر(ص) متناسب با شرایط حاکم بر جامعه خطاب شده‌است. نزول سوره شعراء بر پایه سرگذشت انبیاء از آن جهت است که ابلاغ رسالت پیامبران، رنج‌هایی که از جانب امت خود متحمل شدند و مشکلاتی که در این مسیر با آن‌ها مواجه شدند برای پیامبر اسلام(ص) یادآوری گردد. همچنین سرانجام اقوام گذشته به منزله انذار معاندینی است که با عناد و دشمنی نسبت به پیامبر(ص) مسیر رسالت را بر ایشان دشوار ساخته‌اند(فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۱۷ / ۹۳).

قصه‌های انبیاء نیز در این سوره ناظر به آیات ابتدایی سوره است و پیوند ناگسستنی میان آیات در سراسر سوره مشهود است. چرا که خداوند با بیان سرگذشت پیامبران پیشین به وجود همیشگی تکذیب‌کنندگان و معاندان انبیاء اشاره داشته تا ضمن تسلی خاطر پیامبر(ص) به ایشان یادآور شود که عاقبت مکذبین گرفتاری در عذاب الهی است. تکرار آیات «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» نیز مؤید همین مطلب است و نیز نشان می‌دهد که قصه‌ها برای هدف واحد و متناسب با آغاز سوره نزول یافته‌اند. چیرگی فضای هشدار و تکذیب و عذابی که در پی تکذیب می‌آید بر قصه‌ها و نیز بر کل سوره مشهود است. این ویژگی از آن رو است که سوره مستقیم با تکذیب مشرکان قریش نسبت به پیامبر(ص)، استهزاء آیات الهی، افتراء زدن به قرآن و ادعای سحر یا شعر بودن نسبت به قرآن مواجه می‌شود. از طرفی پایان سوره نیز همانند ابتدای آن شامل خطاب‌هایی به پیامبر(ص) بوده که ایشان را به اتمام حجت با مخالفان امر می‌کند و در انتها امر به انذار عشیره و فروتنی در برابر مؤمنان و همچنین توکل به خداوند به ایشان عرضه می‌شود. در برخی آثار تفسیری نیز با رد وجود آیات استثناء و با استناد به سیاق آیات به پیوستگی آیات اذعان شده‌است(طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۵ / ۱۰۳؛ سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۶۷۷؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۷ / ۱۳۴). در نهایت باید گفت که ابتدا و انتهای سوره به همراه آیات قصه وحدتی همگن و یکپارچه می‌سازند و شرایطی را توصیف می‌کند که میزان درگیری پیامبر(ص) با مخالفان خود نسبت به قبل

افزایش یافته و از قضا این مخالفان از عشیره پیامبر(ص) هستند. به همین علت سبب شده سوره‌ای مستقل در راستای همین موضوع بر ایشان نازل شود. بنابراین با توجه به قرابت جایگاه سوره شعراء و سوره نمل در فهرست‌های ترتیب نزول، بار دیگر این فرض مطرح می‌شود که ممکن است نزول سوره شعراء با محاصره در شعب ابیطالب مرتبط باشد. لذا برای بررسی عمیق‌تر می‌بایست جزئیات تاریخی مربوط به شعب ابیطالب و میزان مطابقت قصه‌ها را با این فرضیه مورد سنجش قرار داد.

محاصره در شعب ابی‌طالب به گزارش تاریخ

مشرکان قریش در ابتدای ماه محرم سال هفتم بعثت، بنی‌هاشم را تحریم کردند و اعلام داشتند که هیچ‌کس حق معامله، ازدواج یا معاشرت با آنان را ندارد. در پی این تحریم، تمامی بنی‌هاشم، اعم از مسلمان و کافر، به جز ابولهب و ابوسفیان بن حارث، به شعب ابی‌طالب پناه بردند و در آنجا گرد هم آمدند. فرزندان مطلب بن عبد مناف، که چهل نفر بودند، از شعب محافظت می‌کردند و شبانه‌روز به نگهبانی از آن مشغول بودند. آنان در طول سال، جز در دو مناسبت **موسم حج** در ماه ذی‌الحجه و **عمره** در ماه رجب، از شعب خارج نمی‌شدند. قریش با جلوگیری از ورود خواروبار به شعب، شرایط را برای محاصره‌شدگان بسیار دشوار ساختند. تنها مقدار کمی آذوقه به صورت پنهانی به دست آنان می‌رسید، که کفاف نیازهایشان را نمی‌داد. در نتیجه، وضعیت به حدی سخت شد که مردم از بیرون شعب، صدای گریه کودکان را می‌شنیدند. این دوران، یکی از سخت‌ترین و دردناک‌ترین لحظات زندگی پیامبر (ص) و خاندان بزرگوارش در مکه بود (امین عاملی، ۱۴۲۱ق، ۱ / ۲۳۵). برخی منابع تاریخی، ارتباط محاصره در شعب با هجرت به حبشه را اینگونه بیان کرده‌اند: «وقتی که رفتار نجاشی نسبت به جعفر و همراهان او و احترام وی به آنان به اطلاع قریش رسید، این موضوع برای آنها دشوار بود. آنها به رسول خدا (ص) و یارانش خشمگین شدند و تصمیم به قتل پیامبر (ص) گرفتند. آنها پیمان‌نامه‌ای علیه بنی‌هاشم نوشتند که هیچ‌گونه معامله‌ای با آنها انجام ندهند، با آنها ازدواج نکنند، و هیچ نوع ارتباطی با آنها نداشته باشند (ابن سعد، ۱۳۷۴ش، ۱ / ۱۹۶). با وجود تفاوت میان این دو گزارش تاریخی آنچه مسلم است این است که بنی‌هاشم خود به شعب ابیطالب رفته‌اند و به عبارتی آن‌ها چاره‌ای جز رفتن به شعب ابیطالب نداشتند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۲۳۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۱۲۳).

مسلمانان در شعب ابیطالب در حدود سال‌های ششم و هفتم (سیدقطب، ۱۴۲۵ش، ۸ / ۱۳۷) محاصره شدند و قریشیان هرگونه خرید و فروش و ارتباط با مسلمانان را منع کردند. این امر سبب شد تا بنی‌هاشم نزد ابوطالب بروند و در شعب او گرد هم جمع شوند. این محاصره تا سال دهم بعثت و به مدت سه سال به طول انجامید (بهجت پور، ۱۳۹۰ش، ۴ / ۱۳۷). در همین حین رسول

خدا(ص) به عده ای از مسلمانان متشکل از زنان و کودکان و افراد ضعیف تر دستور داد به رهبری جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کنند(یوسفی غروی، بی تا، ۱ / ۴۹۶؛ شرف الدین، ۱۴۲۰ق، ۶ / ۱۷۷). در این مقطع زمانی، پیامبر(ص) با مقاومت اجتماعی شدید مردم مکه و قومش و با اتهامات و سوءظن‌هایی مواجه بود که موجب کاهش نفوذ کلامش در جامعه می‌شد. تعصبات قبیلگی و کینه و حسادت مکیان و قریشیان تا آنجا ادامه یافت که دشمنی خود علیه پیامبر(ص) و مؤمنان را با محاصره‌ی شدید اقتصادی اجتماعی در شعب ایطالب ادامه دهند(سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵ / ۹۵ - ۹۸). با دشوار شدن این شرایط در شعب ایطالب، پیامبر(ص) دستور داد عده‌ای از مسلمانان به حبشه هجرت کنند(بهجت پور، ش ۱۳۹۰ش، ۴ / ۱۳۷؛ یوسفی غروی، بی تا، ۱ / ۵۳۹). بنی هاشم شب اول محرم سال هفتم بعثت پیامبر (ص) در آن دره محاصره شدند و فقط در موسم حج از دره بیرون می آمدند. بنابراین دشواری شرایط در این برهه حساس تاریخی به قدری بود که می‌تواند مسبب نزول سوره‌هایی در این بازه زمانی بر پیامبر(ص) شده باشد. همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، خروج پیامبر(ص) و مسلمانان از شعب فقط در ایام حج میسر بود. طبرسی اشاره می‌کند که پیامبر(ص) از این فرصت پیش آمده در جهت آشنایی مردم با اسلام و برقراری ارتباط با اقشار مختلف که در ایام حج گرد هم می‌آمدند متنعم می‌شد(طبرسی، ۱۴۱۷ق، ۱ / ۱۲۳). ایشان در فرآیند دعوت به دنبال یافتن پناهگاهی برای صیانت اسلام از یک طرف و از سوی دیگر پراکندن آن به مناطق دیگر بود. سرانجام در همین ایام بود که افرادی از مدینه در موسم حج وارد مکه شدند که سرآغاز آشنایی اهل مدینه با دین اسلام محسوب می‌شد. در نهایت این حرکت منجر به هجرت تاریخی پیامبر(ص) به مدینه و اقامه حکومت اسلامی شد(بیهقی، ۱۴۰۳ق، ۲ / ۳۱۲؛ الحیدری، ۱۳۹۹ش؛ بهرامی، ۱۳۹۲ش).

آنچه از مطالعه تاریخ پیرامون شعب ایطالب حاصل می‌شود بدین شرح است :

- ارتباط حصر با امر هجرت (هجرت‌های اولیه و ثانویه به حبشه - هجرت مسلمانان به مدینه)
- ارتباط مستقیم حصر با تهدید و در پی آن تأمین امنیت جانی پیامبر(ص)
- نقش مؤثر خویشاوندان پیامبر(ص) در این واقعه
- افزایش احتمال نزول سوره یا سوره‌هایی در فضای سنگین محاصره
- احتمال نزول برخی سوره‌ها در ایام حج و خروج موقت مسلمانان از شعب

تحلیل قصه‌ها در سوره شعراء

قصه‌ها در سوره‌ی شعراء شامل سرگذشت هفت تن از انبیاء پیشین است که بخش‌هایی از زندگانی آن‌ها در سوره‌های دیگر قرآن ذکر شده است. بدیهی است که مقصود از نقل پی در پی قصه‌ها در این سوره، آشنایی پیامبر(ص) و سایر مخاطبان قرآن با انبیاء نیست. چرا که قصه‌ها در

قالب نسبتاً یکسانی نقل شده‌اند و یک پیام واحد را به مخاطب منتقل می‌کنند. علت تکرار قصه‌ها با یک هدف واحد نفوذ در قلوب مخاطبان قرآن و جلوگیری از نسیان و فراموشی است(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳ / ۲۹۸). پس از بخش مقدماتی سوره سرگذشت انبیاء با قصه حضرت موسی(ع) آغاز می‌شود که تفصیل بیشتری نسبت به سایر قصه‌ها دارد. از جمله دلایل مهم این امر، شباهت زندگانی پیامبر(ص) با حضرت موسی(ع) است که در نوع مبارزات با قدرت حاکم و عناد مخالفان نسبت به پیامبران الهی تجلی یافته است(خطیب، ۱۴۲۴ق، ۱۰ / ۷۷). پس از حضرت موسی(ع) بخش‌هایی از زندگانی شش تن از پیامبران دیگر نیز بیان شده‌است. در این سوره خداوند برخی مفاهیم دینی و اعتقادی را در قالب قصه‌ها به مخاطبان عرضه کرده‌است. شماری از این مفاهیم در سوره شعراء شامل موارد زیر است :

الف) تثبیت ایمان: داستان‌های استقامت انبیاء در برابر ناملایمات، به مسلمانان نشان می‌داد که آنها در ایمان خود تنها نیستند و در طول تاریخ، پیامبران دیگری نیز با چالش‌های مشابهی روبرو بوده‌اند.

ب) تبیین رسالت پیامبر(ص): در سوره شعراء، به شباهت‌ها و پیوندهای میان پیامبر اسلام (ص) و سایر پیامبران اشاره می‌شود. این امر، جایگاه و رسالت پیامبر را در میان انبیاء الهی آشکار می‌کرد و به مسلمانان نشان می‌داد که پیامبر اسلام (ص) ادامه‌دهنده راه پیامبران گذشته است.

ج) انذار مشرکان: سرانجام اقوام معاند انبیاء در سوره شعراء به تصویر کشیده شده است. این امر، مشرکان مکه را از عواقب تکذیب پیامبر اسلام (ص) برحذر می‌داشت و آنها را به سوی ایمان دعوت می‌کرد(سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۵۸۳). خطاب سوره پس از پیامبر(ص) متوجه مشرکانی است که از هیچ عناد و دشمنی نسبت به پیامبر فروگذار نمی‌کنند. این مطلب را از مقایسه میان سرآغاز قصه‌ها در سوره نیز می‌توان برداشت کرد. پس از اینکه آیات مربوط به قصه حضرت موسی(ع) در سوره شعراء بیان می‌شود و به پیامبر(ص) در برابر حوادث پیش آمده تسلی خاطر می‌بخشد، قصه حضرت ابراهیم آغاز شده که سرآغاز آن با عبارت "وَ اَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ اِبْرَاهِيمَ" (شعراء ۶۹) است. سرآغاز این قصه نشان می‌دهد که خطاب آیات متوجه مشرکان و معاندان معاصر پیامبر(ص) است که طبق آیه، پیامبر(ص) به تلاوت آیات پیش رو برای مشرکان مأمور شده‌است(طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۵ / ۲۸۰).

در سوره شعراء، به داستان‌هایی از اقوام پیامبران گذشته پرداخته شده تا نشان دهد که قوم پیامبر خاتم (ص) نیز همان مسیر اقوامی چون موسی، هارون، ابراهیم، نوح، هود، صالح، لوط و شعیب را طی می‌کنند و به زودی همان سرنوشت آن اقوام را خواهند داشت. بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند و خداوند ایشان را به عذاب دنیوی و اخروی گرفتار خواهد کرد. این آیات با ارائه چنین نتیجه‌ای، در

پایان هر داستان می‌فرماید: "إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ"، همان‌طور که در داستان پیامبر خاتم (ص) بعد از بیان اعتراض قومش در آغاز سوره فرمود: "إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ". این تطابق داستان‌ها نشان می‌دهد که همان مسیر نافرمانی و انکار، به همان عاقبت هلاک و عذاب منجر خواهد شد. همین مطلب، شاهد دیگری بر پیوستگی نزول سوره‌ی شعراء است. قصه‌ها در سوره‌ی شعراء به شرح زیر است:

الف) قصه‌ی حضرت موسی: داستان حضرت موسی(ع) در سوره شعراء از مهم‌ترین قصه‌های قرآن است که به عنوان اولین و مفصل‌ترین داستان در این سوره آمده است. این داستان با مأموریت حضرت موسی(ع) و رفتن ایشان به سوی فرعون آغاز می‌شود. واژه "ظالمین" در آغاز داستان، ویژگی‌های جامعه آن زمان را نشان می‌دهد و زمینه‌ای برای مقابله پیامبر اسلام با مخالفان ظلم‌پیشه فراهم می‌کند. فرعون به حضرت موسی(ع) یادآوری می‌کند که او را از کودکی در قصر خود پرورش داده است و در ادامه باورهای آن حضرت را رد می‌کند و با وجود آیات و نشانه‌های الهی، تسلیم نمی‌شود. داستان حضرت موسی(ع) بر ایستادگی در برابر ظلم تأکید دارد و در نهایت به هجرت ایشان و بنی‌اسرائیل و عبور از دریا اشاره می‌کند. این امر که به خواست خدا ممکن شده، نشان‌دهنده نصرت الهی است و به پیامبر و مسلمانان امید می‌دهد که سرانجام استقامت در مسیر الهی نجات و رهایی از دشواری‌ها است. همچنین، هجرت حضرت موسی و یارانش، نجات مومنان از ظلم و سرانجام نیکوی آن‌ها را بیان می‌کند و می‌تواند به منزله نیروی محرکه‌ای برای مسلمانان و رغبت آن‌ها به مهاجرت به شمار رود. چنانچه در سوره طه نیز چنین اشاره‌ای مشهود است (صانعی و همکاران، ۱۴۰۳ش). در این بخش از آیات اشاره خداوند به اخراج فرعونیان از باغ‌ها و چشمه سارها نشان از توانگری آن‌ها در برابر ناتوانی و ضعف بنی اسرائیل بوده و خداوند این نعمات را به بنی اسرائیل میراث داده است.

قصه حضرت ابراهیم: دومین داستان در سوره شعراء، داستان حضرت ابراهیم است که با عقاید مشرکانه قومش مواجه می‌شود. واژه "ظالمین" در این آیات هم ذکر شده و فضای نزول سوره را نشان می‌دهد که ظالمان عرصه را بر پیامبر(ص) و مسلمانان تنگ کرده‌اند. این واژه به مهم‌ترین دغدغه پیامبر اسلام یعنی مقابله با ظلم و اصلاح جامعه اشاره دارد. از همان ابتدای قصه به اختلاف عقیده میان حضرت ابراهیم و نزدیکانش، یعنی پدر و قوم ایشان، اشاره شده است. نظیر آن در قصه حضرت موسی(ع) مشهود است که به رشد و بالندگی ایشان در قصر فرعون اشاره شده و با این وجود میان این دو اختلافات بسیاری مشاهده می‌شود.

قصه حضرت نوح: در سوره شعراء، داستان حضرت نوح به شیوه‌ای مشابه با داستان‌های بعدی بیان شده است. این داستان‌ها با آیات مشابه آغاز می‌شوند و به نقل دعوت و انذار پیامبران و سپس مخالفت و نافرمانی قوم‌هایشان می‌پردازند. آیات مذکور رنج پیامبران برای هدایت قوم خود و طلب یاری از خداوند را بیان کرده و در نهایت نصرت الهی برای مومنان و عذاب الهی برای کافران را نقل می‌کند. این داستان با تکذیب قوم نوح آغاز می‌شود که پیامبران را نپذیرفتند. استفاده از واژه "اخوانهم" در این داستان و چهار داستان بعدی، از ویژگی‌های مشترک قصه‌های سوره شعراء است و می‌تواند یک مفهوم کلیدی برای تاریخ‌گذاری این سوره به شمار رود. از جمله نکات مهم دیگر در این آیات استهزاء حضرت نوح(ع) توسط قوم ایشان است که معتقدند فقط فرومایگان از آن حضرت پیروی می‌کنند. سپس ایشان را تهدید به سنگسار می‌کنند و از این رو حضرت نوح(ع) از خداوند راه نجاتی از ظلم آن‌ها طلب می‌کند. در نهایت نصرت الهی شامل حال ایشان شد و عذاب الهی بر تکذیب کنندگان فرود آمد.

قصه قوم عاد: قوم عاد به دعوت هود (علیه‌السلام) بی‌اعتنایی کرده و او را مسخره می‌کردند. آنها با غرور و تکبر به قدرت و ثروت خود می‌بالیدند و از پیامبرشان می‌خواستند که برای اثبات حقانیت خود، عذاب الهی بیاورد. هود (علیه‌السلام) به قوم خود یادآوری می‌کند که خداوند به آنها نعمت‌های بسیاری داده و باید شکرگزار باشند، نه اینکه در زمین فساد و نافرمانی کنند(سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۶۰۹).

قصه قوم ثمود: حضرت صالح (علیه‌السلام) به قوم ثمود یادآوری می‌کند که خداوند آنها را از نعمات بسیاری مانند باغ‌های سرسبز، چشمه‌های آب، و زمین‌های حاصلخیز برخوردار کرده است. اما قوم ثمود به دعوت صالح (علیه‌السلام) بی‌اعتنایی کرده و او را به سحر و جنون متهم می‌کنند. آنها حتی تقاضای معجزه می‌کنند و پس از اینکه شتری معجزه‌آسا از دل کوه بیرون می‌آید، به جای ایمان آوردن، شتر را می‌کشند.(سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ۵ / ۲۶۱۱).

قصه حضرت لوط: پس از دعوت و انذار مردم توسط حضرت لوط (علیه‌السلام)، آنان به اعمال ناشایست خود ادامه دادند و حضرت لوط را تهدید به اخراج از سرزمین خود کردند. این موضوع در داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) نیز تکرار شده است؛ فرعون حضرت موسی (علیه‌السلام) را متهم کرد که می‌خواهد با جادویش مردم را از سرزمین‌شان اخراج کند. در نهایت خداوند حضرت لوط و پیروان ایشان را نجات بخشید و سایرین از جمله نزدیکان ایشان همچون همسر حضرت لوط را به هلاکت رسانید.

قصه حضرت شعیب: حضرت شعیب (علیه السلام) از جمله پیامبرانی بود که برای مردم ایکه مبعوث شد. از آیات قرآن می توان فهمید که شعیب (ع) اهل آن منطقه نبوده و با مردمش بیگانه بوده است. دلیل این برداشت آن است که برخلاف داستان های پیامبران دیگر، در این داستان شعیب (ع) را "برادر" آن قوم نخوانده اند. در حالی که در داستان های نوح، هود، صالح و لوط، از عبارت "اخوهم" به معنای برادرشان استفاده شده است: "اخوهم نوح"، "اخوهم هود"، "اخوهم صالح" و "اخوهم لوط." (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۱۵ / ۳۱۲). قوم شعیب نیز مانند قوم صالح، پیامبر خود را جادو شده خواندند و او را بشری مانند سایرین دانسته و به او نسبت دروغگویی دادند. آنان از پیامبر خود درخواست نشانه ها و آیات نامعقول داشتند. داستان قوم شعیب آخرین داستانی است که در این سوره نقل شده و پیامبری را توصیف می کند که به دلیل تکذیب و نافرمانی قومش، دچار گسست عاطفی و فرهنگی با آنها شده است. سرگذشت شعیب را می توان انعکاسی از ارتباط چالش برانگیز میان پیامبر اسلام (ص) و اعراب دانست که در نهایت به جدایی ایشان از اقوام و هم وطنانش منجر شد.

جزئیات قصه های منقول در سوره شعراء به خوبی می تواند فضای نزول سوره و دغدغه های مخاطبان عصر نزول را نشان دهد. در جریان نزول سوره شعراء، پیامبر اسلام (ص) با تکذیب قوم خود مواجه می شود. این مخالفان، که از ثروت و مکنّت برخوردار بودند، با رفتاری متکبرانه از پیامبر (ص) درخواست نشانه و معجزه می کردند. در ابتدای سوره به این مطلب اشاره شده و آیه «إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (شعراء: ۴) شاهی بر این ادعاست. مشرکان پیامبر (ص) را به جنون و سحر متهم کرده و بر نشانه ها و نعمات الهی که نصیب شان شده بود، چشم می پوشیدند. به همین مناسبت، خداوند در آیه «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۳) به تلاش بی وقفه پیامبر (ص) اشاره کرده است. سپس، برخی از نشانه های بسیاری را که خداوند برای آنان فرستاده است یادآوری کرده و می فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء: ۷). آن ها در طول مدت رسالت پیامبر اسلام (ص)، ایشان را تهدید به اخراج از مکه کردند. برخی آیات، از جمله آیه «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ» (توبه: ۱۳)، خبر از توطئه مشرکان می دهد که تصمیم داشتند پیامبر اکرم (ص) را از مکه اخراج کنند. به این مطلب در قصه های حضرت موسی (ع) و حضرت لوط (ع) در سوره شعراء اشاره شده است که در بخش های قبل از نظر گذشت. پیامبر اسلام (ص) و مخالفانش، مشابه پیامبرانی که در سوره شعراء نام برده شده اند، از یک عشیره و خانواده بودند. با وجود تمامی آزارهایی که مشرکان به پیامبر رساندند، قرآن در قصه اصحاب ایکه به عاقبت نافرجام این عناد و درخواست های نامعقول از پیامبر اشاره کرده و به مخالفین نسبت به این جدایی هشدار می دهد. تأکید بر واژگانی همچون «عشیره» و «اخوهم» در این سوره،

شرایطی مشابه محاصره در شعب ابی‌طالب را تداعی می‌کند که پیامبر (ص) از سوی عشیره خود یعنی قریش، مورد آزار قرار گرفت. مجموعه آیات سوره شعراء که سیاقی کاملاً در هم تنیده و پیوسته دارند، فضایی را به تصویر می‌کشد که گویای اوج عناد و اقدامات سخت‌گیرانه‌ی مشرکان نسبت به پیامبر است. اقداماتی که آنقدر شدت داشته‌اند که موجب نزول یک سوره بر پیامبر(ص) شده است. خداوند به همین مناسبت در یک سوره فی‌الجمله تمام عنادهای مشرکان نسبت به پیامبر را در قالب قصه یادآوری می‌کند و درصدد تسکین پیامبر برای مواجهه با این رویداد بر می‌آید. همچنین تکرار آیات *إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ* در پایان هر قصه بیانگر حمایت خداوند عزیز و رحیم است که در موقعیت‌های دشوار مؤمنان از آن برخوردار می‌شوند. به عبارتی تکرار این آیات شاهد دیگری بر دشواری‌های موجود در زمان نزول سوره شعراء به شمار می‌رود.

در مجموع باید گفت وجود مفاهیمی همچون تکذیب پیامبران توسط نزدیکان و عشیره، تأکید بر نقش هجرت در قصه‌های حضرت موسی(ع)، حضرت نوح(ع) و حضرت لوط(ع)، اشاره به اتهام‌ها و رفتارهای متکبرانه، اشاره به تهدیدهای جانی نسبت به پیامبران(ع) و در نهایت وعده خداوند به نابودی تکذیب‌کنندگان مواردی هستند که با جزئیات مربوط به محاصره مسلمانان در شعب ابیطالب همخوانی دارد. به علاوه آیات پایانی سوره به منزله‌ی نتایجی است که می‌توان از نقل قصه‌ها دریافت کرد. در این آیات به توبیخ و تهدید معاندان در دوره‌ی حیات پیامبر (ص) پرداخته شده است. علاوه بر این، آیات مذکور در مقام دفاع از پیامبر (ص) و صحت سخنان او، مخاطبان را به کتب آسمانی پیشین و عالمان بنی‌اسرائیل ارجاع می‌دهد که هرکدام شاهی بر صحت قرآن به شمار می‌روند. تأکید بر وحیانی بودن قرآن به این دلیل است که مشرکان با وجود قرآن درخواست آیه و نشانه داشتند و قرائن آن در قصه‌ها نیز مطرح شده است. چنانچه در آیات این سوره می‌خوانیم: «وَأِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوَّلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ سِيسِ خداوند مشرکان را به دچار شدن به عذاب الهی تهدید کرده و آن‌ها را به خاطر اعمال‌شان توبیخ می‌کند. در این شرایط دشوار خداوند به پیامبر(ص) ابتدا دستور دوری از شرک داده و سپس امر می‌کند که به عشیره خود هشدار دهد و در مقابل، رأفت و رحمت خود را متوجه مؤمنان سازد و سوره با بشارت نجات مؤمنان و عذاب کافران سوره به پایان می‌رسد. دستور خداوند مبنی بر انذار عشیره نیز مؤید محتوای قصه‌هاست و ارتباط پیامبر(ص) با خویشاوندان خود را نشان می‌دهد. از طرفی تأکید بر تعامل توأم به مهربانی با مؤمنان نشان می‌دهد که خداوند عملکرد عده‌ای از عشیره

پیامبر(ص) را از دیگران متمایز دانسته و دستور انذار متوجه آنها نیست. این افراد همان خویشاوندانی هستند که پیامبر(ص) را در سه سال محاصره یاری کردند.

نزول سوره شعراء در ایام حج

حال که محتوای سوره و خصوصاً روند نقل قصه‌ها شرایط دشوار پیامبر(ص) و مسلمانان را در محاصره شعب ابیطالب منعکس می‌کند، امکان بررسی دقیق‌تر زمان نزول این سوره فراهم می‌شود. بر اساس شواهد تاریخی، می‌توان احتمال نزول سوره شعراء در ایام حج را مطرح کرد. این ادعا با توجه به شواهد زیر قابل تأیید است:

الف) آزادی عمل مسلمانان در موسم حج: در این دوره، مسلمانان آزادی بیشتری برای تبلیغ دین اسلام و بیان حقایق قرآن داشتند. این فرصت مناسب برای تعامل و گفتگو با قبایل و گروه‌های مختلف، شرایط ایده‌آلی برای انتشار پیام‌های دینی فراهم می‌کرد.

ب) لحن صریح و تویخ‌گر آیات: آیات سوره شعراء دارای لحنی صریح و انتقادی هستند که به نظر می‌رسد برای هشدار دادن و تذکر به مشرکان و مخالفان اسلام نازل شده‌اند. این لحن، هماهنگی با شرایط و مقتضیات موسم حج بوده که پیامبر (ص) می‌توانست به بهترین شکل از این فرصت برای ابلاغ پیام الهی استفاده کند. از طرفی محتوای آیات سوره گواهی می‌دهد که پیامبر(ص) در زمان نزول با عده‌ای از مردم مواجه بوده که احتمالاً مخالفان ایشان نیز حضور داشته‌اند و آیات به منظور انذار این افراد نازل شده است. چرا که در مواجهه با مؤمنان انتظار می‌رود آیات دعوت به صبر در برابر مشکلات و بشارت نسبت به حمایت الهی نازل شوند.

بر این اساس نزول این سوره احتمالاً در ماه‌های حرام (مانند ذی‌الحجه یا رجب) اتفاق افتاده است؛ زمانی که اعراب از سرتاسر جزیره‌العرب برای زیارت کعبه یا شرکت در بازارهای تجاری به مکه می‌آمدند. در چنین شرایطی، لحن تند آیات خطری برای پیامبر (ص) و تازه‌مسلمانان ایجاد نمی‌کرد، زیرا قریش در این ایام نمی‌توانستند آشکارا به پیامبر (ص) و یارانش آسیبی برسانند. از سوی دیگر، این فضا فرصتی بود برای افرادی از نقاط مختلف شبه‌جزیره و حتی خارج از آن که کنجکاوانه می‌خواستند سخنان پیامبر (ص) و محتوای دعوت او را بشنوند، هرچند قریش سعی می‌کرد آنان را از نزدیک شدن به پیامبر (ص) منع کند.

پ) اشارات تاریخی آیات: نشانه دیگری که در این سوره برای تأیید فرضیه نزول آن در ایام حج وجود دارد، اشاره به شاعران است. همان‌طور که در گزارش‌های تاریخی آمده شعرای عرب هر ساله در ایام حج در بازار عکاظ جمع می‌شدند و اشعار خود را در برابر شعرای بزرگ و مشهور

می‌خواندند تا مورد داوری قرار گیرند. چه‌بسا اشاره به شعرا در پایان این سوره به همین مراسم اشاره دارد و می‌تواند تأییدی بر فرضیه زمان نزول این سوره باشد. همچنین اشاره به گیاهان دوگانه (زوج کریم) به مناطقی خارج از مکه که حاصلخیزی بیشتری داشته اشاره دارد. استدلال بعدی در مورد حجی بودن این سوره، تعامل ترکیبی است که با اهل کتاب برقرار می‌شود. بنابراین مجموع این قرائن حاکی از نزول این سوره در ایام حج است. (آقادیوستی، ۱۴۰۳ش).

به علاوه با توجه به آنچه پیش از بیان شد، آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (آیه ۲۱۴) این آیه معمولاً به داستان **یوم‌الدار** و آغاز دعوت علنی پیامبر (ص) در سال سوم بعثت مرتبط دانسته می‌شود. با این حال، نمی‌توان به‌خاطر این آیه، زمان نزول سوره شعرا را به سال سوم بعثت منتسب کرد. در عوض، دو احتمال قابل بررسی است:

۱. **احتمال اول:** اگر نزول این سوره در ماه‌های حج بوده باشد، زائران زیادی از نقاط مختلف، از جمله مدینه، به مکه آمده بودند. در میان این زائران، گروهی از اقوام مادری پیامبر (ص) که ساکن مدینه بودند نیز حضور داشتند. خداوند در این آیه از پیامبر (ص) می‌خواهد که به انذار و دعوت این خویشان نزدیک بپردازد. در آیه بعدی نیز تأکید می‌کند که در برابر کسانی از آنان که ایمان می‌آورند، متواضع باشد.

۲. **احتمال دوم:** ممکن است برخی از نزدیک‌ترین خویشان پیامبر (ص)، مانند ابولهب، در میان مسافران و زائرانی که به مکه آمده بودند، به بدگویی از پیامبر (ص) و دعوت او پرداخته باشند. در این صورت، خداوند ضمن آگاه کردن پیامبر (ص) از این کارشکنی‌ها، از ایشان می‌خواهد که به انذار و تهدید این خویشان بپردازد تا دست از این اقدامات بردارند. در آیه بعدی نیز می‌فرماید: اگر از تو اطاعت کردند، در برابرشان فروتن باش، و اگر نافرمانی کردند، بگو من از شما بیزارم و بر خدا توکل می‌کنم (آیات ۲۱۴-۲۱۷).

این دو احتمال نشان می‌دهد که آیه ۲۱۴ سوره شعرا لزوماً به سال سوم بعثت مربوط نیست، بلکه می‌تواند در شرایط دیگری، مانند ماه‌های حرام و در حضور زائران مختلف، نازل شده باشد. این تفسیر با فضای تاریخی مکه و شرایط دعوت پیامبر (ص) در آن دوران هماهنگی دارد (ر.ک: آقادیوستی، ۱۴۰۳). اگر نزول این سوره در ماه‌های حج بوده باشد، زائران زیادی وارد مکه شده‌اند که در میان آنها گروهی از اقوام مادری حضرت محمد که ساکن مدینه بودند، نیز وارد مکه شدند و خداوند از پیامبر (ص) می‌خواهد به انذار و دعوت آنها که از خویشان نزدیک پیامبر (ص) هستند، بپردازد و در آیه بعد می‌فرماید در برابر کسانی از آنها که ایمان می‌آورند، متواضع باشد. احتمال بعدی این است که شاید عده‌ای از نزدیک‌ترین خویشان پیامبر (ص) مانند ابولهب در بین مسافران و زائرانی که به

مکه آمده بودند، از پیامبر (ص) و دعوت او بدگویی می‌کردند و خداوند ضمن اینکه پیامبر (ص) را از این کارشکنی آگاه می‌کند، از ایشان می‌خواهد به انذار و تهدید این خویشان بپردازد تا دست از این اقدامات بردارند. لذا در آیه بعدی می‌فرماید اگر از تو اطاعت کردند که در برابرشان خاضع باش و اگر نافرمانی‌ات را کردند بگو من از شما بیزارم و بر خدا توکل کن (۲۱۷-۲۱۴ شعراء)) (آقادوستی، ۱۴۰۳).

بررسی سوره‌های مشابه

همانطور که پیش از این نیز بیان شد، نقل پی در پی قصه‌ها و به تبع آن لحن تویخ‌گرانه آیات، یکی از قرائنی است که نزول سوره شعراء را مصادف با واقعه‌ی شعب ابیطالب می‌داند. در قرآن کریم سوره‌های دیگری نظیر سوره شعراء وجود دارد که به همین منوال نقل قصه داشته‌اند.

از جمله می‌توان به سوره هود اشاره کرد که به نقل قصه‌هایی از حضرت نوح، هود و صالح پرداخته‌است. در سوره اعراف نیز به فرازهایی از سرگذشت حضرت آدم، نوح، خود، صالح، شعیب و موسی اشاره شده‌است. تأکید این قصه بیشتر اختلاف نظرانی است که پیامبران با بزرگان قوم خود داشتند و باعث انحراف عقاید مردم عادی می‌شد. سوره صافات از دیگر سوره‌هایی است که با استناد به زندگانی حضرات نوح، ابراهیم، موسی، الیاس، یونس و لوط به تسلیم در برابر اوامر الهی تأکید داشته‌است. در کنار آن، مردم را به یکتاپرستی و ترک پرستش بت‌ها دعوت می‌کند. مهم‌ترین وجه تمایز سوره شعراء تأکید بر نسبت خویشاوندی میان پیامبران و مخالفان‌شان است که در سوره هود و صافات به آن اشاره نشده‌است. همچنین صراحت کلام در قصه‌های این سوره و ترکیب آن با آیات کوتاه و آهنگین کاملاً با سوره‌هایی نظیر سوره‌ی اعراف متفاوت است. از سوی دیگر فضای تسکین دهنده سوره شعراء از همان آیات ابتدایی آغاز شده و گویای پیوند این سوره با واقعه‌ای در زمان نزولش است. به همین علت سوره شعراء در مقایسه با سایر سوره‌های قصه محور گزینه منطقی‌تری برای نزول در شرایط محاصره در شعب محسوب می‌شود.

نتیجه

بر اساس آنچه بیان شد، نزول سوره شعراء و محاصره مسلمانان در شعب ابیطالب دو رخداد مرتبط با یکدیگر به شمار می‌روند. محتوای سوره و تأکید بر پیوستگی سیاق آن، در کنار قصه هفت تن از پیامبران که در این سوره نقل شده می‌تواند تا حد قابل توجهی فضای نزول این سوره را برای مخاطبان بازسازی کند. هرکدام از قصه‌ها در عین شباهت در ساختار و شباهت در بیان عاقبت مخالفان، بخش منحصر به فردی از زندگانی پیامبر (ص) و اقدامات کارشکنانه مخالفان ایشان را بازگو می‌کنند

و در مقام تسکین و تسلی آن حضرت برآمده‌اند. در عین حال، قصه‌ها بر نقش برخی خویشاوندان در عناد و دشمنی با پیامبران تأکید دارند. از این رو، در پایان سوره خداوند به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد که عشیره و خانواده خود را هشدار دهد و بلافاصله ایشان را به مهربانی و گشودگی نسبت به مؤمنان این گروه امر می‌کند. محاصره مسلمانان در شعب ابیطالب نیز در شرایطی صورت گرفت که برخی خویشاوندان پیامبر(ص) نسبت به ایشان اقدامات سخت‌گیرانه‌ای انجام دادند و همزمان، عده‌ای دیگر از عشیره پیامبر(ص) ایشان را در تمام اتفاقات دشوار همراهی کردند. مضاف بر این اشاره به هجرت حضرت موسی(ع) و همچنین هجرت حضرت نوح(ع) و حضرت لوط(ع) نشان می‌دهد که مسئله هجرت در زمان نزول این سوره مطرح بوده‌است. بر همین اساس می‌توان گفت آیات مذکور پیوند سوره را با دوران پس از هجرت مسلمانان به حبشه و زمینه سازی برای هجرت به مدینه همزمانی نزول آن را با محاصره در شعب ابیطالب حکایت می‌کند. اشارات دیگری همچون توانگری مادی برخی اقوام و به دنبال آن سرکشی در برابر پیامبران، تهدید به اخراج پیامبران و تکذیب آیات الهی نیز از مواردی است که می‌تواند بازتاب دهنده شرایط حاکم بر عصر نزول در سوره شعراء باشد که مطابقت فراوانی با دوران محاصره در شعب ابیطالب دارد. موارد مذکور نقش قصه‌ها در کشف زمان نزول سوره را به خوبی نشان می‌دهد. با توجه به گزارش منابع تاریخی و در کنار آن با استناد به لحن توبیخ‌گرانه آیات باید گفت که احتمال نزول سوره شعراء در ایام حج بسیار قوی به نظر می‌رسد. بنابراین نزول این سوره مطابق با فهرست‌ها ترتیب نزول روایی مقارن با نزول سوره نمل بوده و مربوط به ایام حج حوالی سال هفتم بعثت است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۷۴ش)، *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۲. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴م)، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس، دارالتونسیه للنشر.
۳. احمدی بیغش، خدیجه؛ تبریزی، زینب (۱۴۰۲ش)، «نقش داستان حضرت موسی(ع) بر تثبیت قلب پیامبر(ص) در سوره نمل»، *فرهنگ و تمدن قرآن*، ش ۴.
۴. الحیدری، ابرار (۱۳۹۹ش)، «بررسی دعوت پیامبر اکرم(ص) از سال هفتم تا دهم بعثت(محاصره در شعب ابیطالب)»، *تاریخنامه اسلام*، ش ۳.
۵. امین عاملی، سیدمحسن (۱۴۲۱ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف.

۶. آقادوستی، الهام (۱۴۰۳ش)، بازسازی تاریخی فضای تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه با تکیه بر آیات قرآن، به راهنمایی امیر احمدنژاد و رضا شکرانی، رساله مقطع دکتری، دانشگاه اصفهان.
۷. بازرگان، مهدی (۱۳۳۶ش)، سیر تحول قرآن، تهران، قلم.
۸. بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق)، جمل من الانساب الاشراف، بیروت، دارالفکر.
۹. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰ش)، تفسیر همگام با وحی، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۱۰. بهرامی، محمد (۱۳۹۳ش)، «شق القمر در ترازو»، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، ش ۹۲.
۱۱. بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۳ق)، دلائل النبوه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. جان نثاری، سعیده (۱۴۰۳ش)، تبارشناسی، اعتبارسنجی و مبنایابی فهرست‌های نقلی ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم، پایان نامه دکتری، به راهنمایی امیر احمدنژاد، رساله مقطع دکتری، دانشگاه اصفهان.
۱۳. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دارالفکر.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۵. سیدقطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره).
۱۷. شرف‌الدین، جعفر (۱۴۲۰ق)، الموسوعه القرآنیه خصائص السور، تحقیق عبدالعزیز بن عثمان التجویزی، بیروت، دارالتقريب بین المذاهب الاسلامیه.
۱۸. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۳۸ش)، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران، مرکز انتشار نسخ خطی.
۱۹. صانعی، فاطمه؛ اسماعیلی، داوود؛ احمدنژاد، امیر (۱۴۰۳ش)، «تاریخ‌گذاری سوره طه با تکیه بر مفهوم هجرت در قصه حضرت موسی (ع)»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۷۸.
۲۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۲. طبری، ابن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.

۲۳. عابدالجابری، محمد (۱۴۰۰ش)، *فهم قرآن حکیم*، ترجمه محسن آرمین، تهران، نشر نی.
۲۴. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
۲۵. محمدزاده، عاطفه؛ احمدنژاد، امیر (۱۳۹۴ش)، «بررسی دوره دعوت پنهانی پیامبر(ص) با تکیه بر مفهوم شناسی آیه «فاصدع بما تؤمر»»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های قرآنی*، ش ۳.
۲۶. محمدی انویق، مجتبی؛ خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۵ش)، «بررسی دعوت پیامبر اکرم(ص) بر اساس آیه ۲۱۴ شعراء و ۹۴ حجر»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری*، ش ۲۸.
۲۷. مونتگمری وات، ویلیام؛ بل، ریچارد (۱۳۸۲ش)، *درآمدی بر تاریخ قرآن*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی.
۲۸. نکونام، جعفر (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران، نشر هستی نما.
۲۹. یوسفی غروی، محمدهادی (بی‌تا)، *تاریخ تحقیقی اسلام*، ترجمه حسین علی عربی، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).